

«بلند اقبال شیرازی، شاعری هنرمند و خردورز»

دکتر هاشم محمدی*

از ازل نامم بلند اقبال شد
ثبت کردندش چو در طومار عشق

چکیده

یکی از بزرگ‌ترین شاعران هنرمند و خردورز قرن سیزدهم هجری، میرزا سید رضی است که به گواهی تذکره‌ها، «تحصیل مراتب کمالیه نموده و مقدمات علمیه را آموخته» و بر متفرعات علوم و ریاضی و رمل و اعداد، احاطه کامل داشته، نوشته‌های یونانی، عبری و سریانی را هم می‌شناخته و خطوط نستعلیق و شکسته و نسخ را به زیبایی رقم می‌زده است. در انواع قالب‌های ادبی، شعر گفته؛ به ویژه در رباعی که آن را شیرین‌تر از سایر اشعار می‌سروده است. از وی قصاید و غزلیات و قطعه‌های فراوانی در دست است که نشانه تفکر عارفانه و زاهدانه اوست. محتوای اشعار او بیشتر در مدح ائمه اطهار (ع)، مولای متقیان علی (ع) و منقبت بزرگان دین است. کلیدواژه‌ها: میرزا سید رضی، بلنداقبال، تفکر عارفانه و زاهدانه، مدح و منقبت، تسلط بر حوزه الفاظ و معانی.

مقدمه

فرهنگ و اصالت یک ملت را در میان آثار ارزشمند به جای مانده از گذشتگان می‌توان جست‌وجو کرد و صیانت از این ارزش‌ها، بارگرانی است بر دوش متفکران، محققان و هنرمندان جامعه - خصوصاً اهل قلم. در این مقاله سخن اصلی معرفی شاعر و هنرمندی است که با در نظر گرفتن اوضاع زمانی و اقلیمی که در آن می‌زیسته و تفحص در آثار به جا مانده از او، می‌توان با طرز تفکر و دانسته‌ها و خصوصیات فردی و اجتماعی‌اش آشنا شد.

میرزا سیدرضی مستوفی، متخلص به بلنداقبال، شاعر قرن سیزدهم هجری است که میرزا حسن فسایی تولّد او را در سال (۱۲۴۵ هـ ق) در شیراز ثبت کرده است و درباره او می‌نویسد: «از اعیان محله سنگ سیاه است و تحصیل مراتب کمالیه نموده و مقدّمات علمیه را آموخته^۱». فرصت‌الدوله شیرازی او را از سادات حمزوی شیراز می‌داند که: «آفتاب سپهر معالی وافضال است و مهرگردون فضل و کمال...^۲».

صاحبان تذکره‌های فارسنامه ناصری، آثار عجم، ریحانة الادب، حدیقة الشعراء، مکارم الآثار، مرآة الفصاحة، الذریعه، نسخه خطی شکرستان پارس، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، تذکره شعری دارالعلم شیراز و... هر کدام در خور آشنایی و شناخت خود از آثار و شخصیت علمی و اجتماعی بلنداقبال، او را با الفاظ و القاب گوناگونی از قبیل: «زبدة الاشباه کمالات»، «اکتناه زبان زمان»، «فرید اوان»، «افتخاراهالی»، «ناظم دُر و لآلی»، «مالک زمام نثر و نظم»، «رفیق صدیق و شاعر نکته‌سنج» و... «مجهول القدر و مخموم الذکر^۳» خوانده‌اند.

به گواهی همین تذکره‌ها، وی مقدمات عربیت و ادبیت را گذرانده و بر متفرعات علوم و ریاضی و رمل و اعداد و محاسبات و جفر و سیاق و دقتر، احاطه کامل داشته و نوشته‌های مختلف سُرُوک، یونانی، عبری و سریانی را می‌شناخته و خطوط نستعلیق و شکسته و نسخ را به زیبایی تمام رقم می‌زده است^۴.

دیوان‌بینگی می‌نویسد: «او را تخلصی غریب است. همانا خواسته هیچ وقت شریک

۱. فسایی، حسن: فارسنامه ناصری، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۰۷۶.

۲. شیرازی، فرصت‌الدوله: تذکره الشعراء دارالعلم شیراز، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۶۴، ص ۱۰۹.

۳. دیوان‌بینگی، سیداحمد: حدیقة الشعراء، تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات زرین، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۱.

۴. شیرازی، فرصت‌الدوله: آثار عجم، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸، ص ۸۸۶.

تخلص نداشته باشد»^۱. «پدرش میرزا محمدعلی از سادات و مستوفیان معتبر قریب الوزاره فارس بود. برادر مهترش نیز مستوفی بود و خودش هم غالباً در امورات عاملی و مباحثی و محاسبات دخل و دخیل است»^۲.

مرحوم شعاع‌الملک که از معاصران بلنداقبال بوده است، می‌نویسد: «صاحب دیوان است و اشعار فراوان؛ رباعی را از انواع شعر، شیرین تر می‌گفت و این گوهر را به مثقب سخن، خوش تر می‌سفت»^۳.

امروزه اشعاری که از مرحوم بلنداقبال در دست است، به حدود ۱۸۰۰۰ بیت می‌رسد و شامل غزلیات، قصاید، ترجیع‌بندها، ترکیب‌بندها، رباعیات، مثنویات، قطعات و اشعار متفرقه است.

تفکر عرفانی و زاهدانه، در جوار حس عاشقانه و طنز و نقدی رندانه، به اشعار بلنداقبال تنوع و دلنشینی خاصی بخشیده است. غزلیات او بسیار ساده و پرشور و دل‌انگیز است. گاه غزلی از خواجه حافظ شیرازی را تضمین نموده و گاهی همچون قآنی به استفاده از الف‌های زائد در پایان فعل‌ها و اسامی مبادرت ورزیده است.

بسیاری از غزلیات او در منقبت رسول‌الله (ص) و خاندان نبوت سروده شده است^۴. بلنداقبال در قصاید علاوه بر قدرت طبع و تسلط بر حوزه الفاظ و معانی و قوافی و استواری شعر، مضامین لطیف در حوزه مدح و منقبت دارد. که همچون برخی از غزلیات، تحت تأثیر شیوه‌های بیان قآنی است:

سلطان چرخ، دوش چو شد سوی خاورا / روی سپهر شد ز ثریا مجدرا
گاهی زگریه بودم چون ابر نوبهار / گاهی ز ناله گشتم مانند تندرا

۱. دیوان بیگی شیرازی، ج ۱: ۲۵۱.

۲. همان.

۳. شیرازی، شعاع‌الملک: تذکره شعاعیه، تصحیح محمود طاووسی، شیراز: انتشارات بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۰، ص ۷۰.

۴.

عشق حیران در جمال احمد است / عفل مجنون از جلال احمد است
جنگ هفتاد و دو ملت سربه‌سر / بر سر میم کمال احمد است
این‌که می‌گویند روح از دم بود / سر آن در میم و و دال احمد است
آن بهشتی را که وصفش می‌کنند / شرحی از بزم وصال احمد است
هرچه گویی، هرچه‌جویی هرچه هست / در وجود بی‌مثال احمد است

سیدرضی، میرزا (متخلص به بلنداقبال): دیوان. شیراز: انتشارات دریای نور شیراز، ۱۳۸۵، ص ۱۹.

(قصاید / ۲۰۹)

که یاد آور قصیده قآنی است:

دوشینه چون کشید شه زنگ لشکرا سلطان روم را ز سر افتاد افسرا
از در صدای سندان برخاست آن چنانک پنداشتی ز چرخ بفرید تندرا
ترجیعات بلند اقبال بیشتر در مدح ائمه اطهار (ع) سروده شده و نمونه‌ای از آن در ۲۶
بند در ستایش مولای متقیان علی (ع) است.^۱

مثنویات بلند او هم بیشتر در منقبت است و چندین بهاریه و وصف زیبا هم سروده
است. در قطعات بلند گاهی به بی‌عدالتی در دیوان‌خانه اشارتی دارد و به حاکمان زمان
می‌تازد و از عملکرد کارگزاران حکومت انتقاد می‌کند و صراحتاً «ابوالحسن مشیرالملک»
صاحب دیوان و بهرام میرزا را به خاطر اوضاع پریشان فارس ملامت می‌کند:

تو ببین کآسمان کج گردش به که محتاج می‌کند ما را
هرکجا تیری از بلا ببند پیشش آماج می‌کند ما را
حرف حق تا زنیم، بر سر دار همچو حلاج می‌کند ما را

(قطعات: ۴۲۹)

در یکی از قطعه‌های خود، حتی شاه قاجار را نکوهش می‌کند:

رود خون امسال شد جاری به فارس الفت شه نیست پنداری به فارس

(قطعات: ۴۳۶)

رباعیات بلند اقبال نیز، در زمینه‌های مختلف منقبت و عاشقانه است (۴۵۱ تا ۴۷۸). وی

در یکی از قصاید خود با مطلع زیر، میرزا تقی‌خان امیرکبیر را می‌ستاید:

گفت از این اندیشه بگذر، رو مکن روی سفر خاصه فضل نوبهاران، خاصه حال اختیار

(قصاید: ۲۲۳)

علاوه بر مثنوی داستان «گل و بلبل» که در بحر متقارب مثنم محذوف سروده شده و
شامل ۴۵۳ بیت است، مثنوی‌های دیگری را در مضامین گوناگون از جمله: شکایت از
دوستان ریایی، در فراق کمال و مال، در مقاومت با امیران و مصاحبت با فقیران، شفقت با
همسایگان، نهی از غیبت، نصیحت اهل غرور و عاقبت امور، در ترک طمع، در صفت

۱. به بلاگشته مبتلا دل من
ره ندارد دل تو با دل من

۱. ای ز عشق تو در بلا دل من
دل به دل راه دارد از چه سبب
(سیدرضی، دیوان: ترجیعات، ص ۲۴۱).

خاموشی، در نهی از حرص، در مذمت دروغ، در نترسیدن از مرگ، پنهان داشتن راز و بسیاری از مسائل اجتماعی و اخلاقی و دینی به رشته نظم کشیده است.

منتخب اشعار دیوان سید رضی (بلند اقبال) شامل ۵۲۲ غزل است.

۱۱ قصیده طولانی که تعداد ابیات آن‌ها به بیش از ۲۰۰ بیت (۲۱۶ بیت) می‌رسد و سه ترجیح‌بند مطول که اولی در ۲۶ بند و شامل ۲۸۶ بیت و در مقبت مولای متقیان علی (ع) سروده شده، از دیگر اشعار اوست.

از دیگر اشعار منتخب، می‌توان به هفت ترکیب‌بند و یک مثنوی، شامل گزیده‌ای از کرامات و فضائل حضرت علی بن ابیطالب (ع) در ۴۲۳ بیت و به بحر عروضی رمل مسدس محذوف اشاره کرد که به وزن و بحر مثنوی معنوی مولانا است و به سبک مثنوی حکایات و داستان‌هایی را در لابه‌لای این اثر ارزشمند آورده است.

آخرین بخش از دیوان اشعار را قطعات و متفرقات و رباعیات تشکیل می‌دهد. قطعات از ۳۰ - ۴۰ بیت، تشکیل شده و متفرقات در قالب‌های گوناگون و با مضامین مختلف سروده شده‌اند. رباعیات (۲۱۶ رباعی)؛ که از انواع دیگر شعری روان‌تر، ساده‌تر و جذاب‌تر است و نوعی تفکر عارفانه و زاهدانه، همراه با حسی عاشقانه، به آن تنوع و جذابیت خاصی داده است:

تا چند اسیر شکم و نان باشیم / گه در غم این، گاه پی آن باشیم
انصاف اگر بود چرا باید ما / از بهر دو نان بر در دونان باشیم

(رباعیات: ۴۷۱)

من رویه و گناهکارم یارب / کاری به جز از گنه ندارم یارب
هرچند که طاعتی نکردم در عمر / بخشای به حق هشت و چارم یارب

(رباعیات: ۴۵۲)

بیرون ز شمار است گناهم یارب / بر چرخ رسیده دود آهم یارب
نبود به جز از درت پناهم یارب / با روی سیاه عذر خواهم یارب

(رباعیات: ۴۵۲)

فرزندزادگان ارحم‌بلند اقبال، با زحمات فراوان و دقت و وسواس بسیار، دست‌نوشته‌های جدّ بزرگوار خویش را گردآوری، تنظیم و تقیح نموده و از مجموعه اشعار فراوان موجود، منتخبات ارزشمندی را استخراج کرده‌اند، که با مقدمه فاضلانه دانشمند فرهیخته و استاد گران‌قدر، دکتر منصور رستگار فسایی استاد دانشگاه شیراز و

توسط انتشارات دریای نور شیراز با متنی پاکیزه و زیبا، به زیور طبع آراسته شده است. نمونه خطوط نسخ و قلم‌های غریبه میرزا سیدرضی و همچنین سایر خطوط همچون: خط شکسته، خط شکسته تحریری، خط نستعلیق و دست‌نوشته‌ها و نمونه‌ای از تصویرسازی با استفاده از کاغذ و قیچی، از این شاعر و هنرمند بزرگ در آغاز دیوان اشعار وی درج شده است.

بلند اقبال در سال ۱۳۱۹ در ۷۵ سالگی در شیراز بدرود زندگی گفت و جسدش را به عتبات عالیات برده، در نجف دفن کردند^۱. اما مرحوم شعاع‌الملک از معاصران بلنداقبال، وفات او را در سال ۱۳۱۸ می‌داند و می‌نویسد: «هفتاد و سه ساله بود که در سنه ۱۳۱۸ ارتحال نمود و سرمایه عمل را در سرای دیگر گشود^۲»:

کسی کاندر محاسب بی‌قرین شد حسابش با کرام‌الکاتبین شد



۱. آدمیت، رکن‌زاده: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، (بی‌جا، بی‌تا) ج ۱، ص ۳۶۰.

۲. شیرازی: ۷۱.

منابع

- رضی، میرزا سید (متخلص به اقبال): دیوان، شیراز: انتشارات دریای نور شیراز، ۱۳۸۵.
- فسایی، حسن: فارسنامه ناصری، به تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۴.
- دیوان بیگی شیرازی، سیداحمد: حدیقه الشعراء، به تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات زرین، جلد اول. بی تا.
- شیرازی، فرصت الدوله: تذکره شعرای دارالعلم شیراز، به تصحیح دکتر رستگار فسایی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۶۴.
- آدمیت، رکن زاده: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- شیرازی، شعاع الملک: تذکره شعاعیه، تصحیح دکتر محمود طاووسی، شیراز: انتشارات بنیاد فارس‌شناسی، شیراز، ۱۳۸۰.
- حافظ: دیوان، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۶۸.
- قآنی شیرازی: دیوان، تصحیح دکتر محمدجعفر محبوب، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی